

یک نظریه ترجمه از دیدگاه زبانشناسی

کلناز مدرسی قوامی

جی. سی. کتفورد

ترجمه احمد صدارتی

تهران، نشر نی، ۱۳۷۰، ۱۸۸ صفحه

ترجمه قدمتی دیرینه دارد، لیکن بررسی دقیق و همه جانبه اصول حاکم بر آن حوزه مطالعاتی نوپایی است. برخی کوشیده‌اند ترجمه را مستقل از سایر حوزه‌های مطالعاتی مورد بررسی قرار دهند و برخی دیگر از حوزه‌هایی همچون زبانشناسی، ادبیات، و حتی علم نظریه اطلاعات، منطق و ریاضیات جهت بررسی مسائل ترجمه کمک گرفته‌اند، کتاب حاضر از جمله معدود آثاری است که ترجمه را از دیدگاه علم زبانشناسی بررسی می‌کند.

یک نظریه ترجمه از دیدگاه زبانشناسی مشتمل است بر ۱۴ فصل به انضمام مقدمه‌ای از نگارنده و یادداشتی از مترجم. مترجم در پایان فهرستی از نامها و دو واژه‌نامه انگلیسی-فارسی به متن ترجمه افزوده است.

یکی از اهداف عمده زبانشناسی ارائه نظریه همگانی زبان^۱ است. اعتقاد بر این است که چنین نظریه‌ای توصیفی از کلیه ویژگیهای زبان بشری در کلیه جلوه‌های آن خواهد بود. ترجمه نیز که فرایند زبانی پیچیده است می‌تواند در چهار چوب یک نظریه زبانی مورد بررسی قرار گیرد. کتفورد ترجمه را در چهار چوب نظریه میزان و مقوله^۲ «ام.ای. هالیدی» مورد بررسی قرار داده است. فصل نخست کتاب با عنوان «نظریه همگانی زبان» به معرفی مفاهیم سطوح^۳ زبانی و غیر زبانی، مقوله‌های بنیادی نظریه زبانی، (شامل

مقوله‌های «واحد»^۱، «ساختمان»^۲، «طبقه»^۳، و «دستگاه»^۴، میزان مراتب^۵، میزان نمود^۶، میزان دقت^۷، واژگان^۸، همنشینی واژگانی^۹ و دسته‌واژگانی^{۱۰} می‌پردازد. این مفاهیم در چهارچوب نظریه همگانی هالیدی توصیف شده‌اند و در واقع مفاهیم بنیادی آن محسوب می‌شوند. کتفورد در این فصل متذکر می‌شود که نظریه مقوله و میزان هالیدی در این کتاب به اجمال و بسیار ساده طرح شده و به دلیل نحوه بررسی «سطوح» زبان با نظریه هالیدی تفاوتی را نشان می‌دهد. وی آنگاه به ذکر این تفاوتها می‌پردازد و فصل نخست را با شرح مختصری از دستگاه واجی و دستور زبان انگلیسی پایان می‌دهد.

در فصل دوم نویسنده تعریفی از ترجمه بدست می‌دهد و انواع ترجمه را با در نظر گرفتن ملاکهای «گستره»^{۱۱}، «سطح» و «مرتب» ذکر می‌کند. ترجمه با توجه به ملاک «گستره» به دو دسته «ترجمه کلی»^{۱۲} و «ترجمه جزئی»^{۱۳} تقسیم می‌شود. این تقسیم بندی بنا به عقیده کتفورد فاقد جنبه زبانشناختی است. لذا با توجه به ملاک «سطح»، ترجمه به دو نوع کلی «ترجمه کامل»^{۱۴} و «ترجمه محدود»^{۱۵} تقسیم می‌گردد؛ در چهار چوب این دو نوع کلی، ترجمه‌های بافتی، واجی، خطی، واژگانی و دستوری معرفی می‌شوند. با توجه به ملاک «مرتب» نیز دو نوع ترجمه «مرتب مقید»^{۱۶} و «مرتب آزاد»^{۱۷} مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل سوم با عنوان «تبادل ترجمه‌ای»^{۱۸} نویسنده میان تعادل ترجمه‌ای و شرایط برقراری آن تمایز قائل می‌شود و تمایز میان «تبادل متنی»^{۱۹} و تناظر صوری^{۲۰} را توضیح می‌دهد و سپس طرق کشف معادلهای متنی از طریق کمک گرفتن از مترجم یا گویشور دو زبانه و روش «جانشین سازی» را بررسی می‌کند. چگونگی تعیین احتمال وقوع معادلهای متنی و به کارگیری آنها در تدوین «قواعد ترجمه» موضوع بحث مابقی فصل است.

فصل چهارم به توضیح مفهوم «تناظر صوری» اختصاص دارد. کتفورد معتقد است که علی‌رغم ماهیت تقریبی و دشوار بودن توجیه نظری این مفهوم، کاربرد آن در نظریه ترجمه مفید، مهم و در واقع ضروری است. به علاوه می‌توان میزان نزدیکی یا دوری تعادل متنی و تناظر صوری را به عنوان ملاکی جهت سنجش تفاوت نوعی زبانها مورد استفاده قرار داد.

فصل پنجم با عنوان «معنی و ترجمه کامل» به رد این نظریه می‌پردازد که ترجمه فرایند انتقال معنی است. کتفورد معتقد است که نظریه ترجمه باید بر یک نظریه معنایی استوار باشد، اما براساس نظریه مطرح شده در کتاب حاضر همانندی معنایی متون مبدا و مقصد و انتقال معنی در فرایند ترجمه قابل دفاع نیست.

1- structure

2- class

3- system

4- system

5- rank

6- exponence

7- delicacy

8- lexis

9- collocation

10- lexical set

11- extent

12- full translation

13- partial translation

14- total translation

15- restricted translation

16- rank-bound translation

17- unbounded translation

18- translation equivalence

19- textual equivalence

20- formal correspondence

کتفورد در توضیح این نظریه مفاهیم روابط صوری و روابط بافتی و منحصر به فرد بودن آنها در هر زبانی را مطرح کرده و مثالهایی ارائه می‌کند. او معتقد است که نمی‌توان ترجمه را فرایند «رمزگردانی»^۱ دانست، زیرا هر رمزی (زبانی) معنای خاص خود را دارد. وی میان انتقال و ترجمه تمایز قائل می‌شود و معتقد است که انتقال معنی صورت می‌گیرد ولی نام آن دیگر ترجمه نیست.

بحث درباره مفهوم «انتقال»^۲ موضوع فصل ششم می‌باشد. برای روشن شدن مفهوم حاضر مثالهایی از چند زبان آورده شده است. این مثالها بیانگر این هستند که عناصر زبانهای گوناگون فاقد معنای بافتی یکسانند و لذا نمی‌توان ترجمه را فرایند انتقال معنی دانست زیرا در ترجمه معنای زبان مقصد «جانشین» معانی زبان مبدا می‌شوند و انتقال معنا که صرفاً به صورت محدود صورت می‌گیرد، ترجمه محسوب نمی‌شود.

در فصل هفتم شرایط معادل ترجمه‌ای بررسی می‌شود. کتفورد با طرح «مشخصه‌های ممیز»^۳ در حوزه معنی‌شناسی و لزوم همپوشی^۴ عناصر متون مبدا و مقصد در حداقل مشخصه‌ها، شرایط معادل ترجمه‌ای را در یک اصل به شرح زیر خلاصه می‌کند: در هر سطح، چه در سطح «موقعیت» (ترجمه کامل)، و چه در سطح آوایی یا نویسه‌ای، تعادل ترجمه‌ای زمانی برقرار می‌شود که عنصر یا متن زبان مبدا و مقصد با (حداقل بعضی) مشخصه‌های ممیز همانند مرتبط باشند. در ادامه این فصل حدود ترجمه پذیری در ترجمه محدود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فصل هشتم به بررسی یکی از انواع ترجمه محدود یعنی «ترجمه واجی»^۵ می‌پردازد. در ترجمه واجی دستگاه واجی متن زبان مبدا جای خود را به دستگاه واجی معادلش در زبان مقصد می‌دهد و واژگان و دستور زبان متن مبدا تغییر نمی‌کند. این نوع ترجمه همان است که از آن با عنوان «تداخل واجی» یاد می‌کنند و در گفتار اشخاصی که زبان دوم را با استفاده از دستگاه واجی زبان مادری خود به کار می‌برند، مشاهده می‌شود. مقلدین و بازیگران نیز عملاً به منظور نشان دادن تعلق به گروهی خاص از ترجمه واجی استفاده می‌کنند.

فصل نهم به بررسی نوع دیگری از ترجمه محدود یعنی «ترجمه خطی»^۶ اختصاص یافته است. در ترجمه خطی دستگاه خط زبان مبدا با دستگاه خط معادلش در زبان مقصد تعویض می‌شود.

فصل دهم با عنوان «نویسه گردانی»^۷ به بررسی ویژگیهای نویسه گردانی و تفاوت آن با «ترجمه خطی» می‌پردازد. در نویسه گردانی واحدهای دستگاه خطی زبان مبدا با واحدهای دستگاه خطی زبان مقصد تعویض می‌شوند، اما این واحدها معادل‌های ترجمه‌ای نیستند، زیرا بر اساس رابطه با ماده خطی انتخاب نشده‌اند. بخش پایانی این فصل به بررسی مفهوم «ترانویسی»^۸ اختصاص یافته است. «ترانویسی»

1- decoding

2- transference

3- distinctive features

4- overlap

5- phonological translation

6- graphological translation

7- transliteration

8- transcription

نظام نوشتاری است که حروف با واحدهای خطی آن با واحدهای واجی یا بخشها و اجزائی از ماده صوتی همبستگی یک به یک دارد.

فصل یازدهم به بررسی ترجمه‌های محدود دستوری و واژگانی اختصاص یافته است. طبق تعریف در ترجمه دستوری عناصر دستوری متن مبدا جای خود را به عناصر دستوری معادل در متن مقصد می‌دهند، اما در واژگان هیچگونه جابجایی صورت نمی‌گیرد. به طریق مشابه، در ترجمه واژگانی واژگان متن مبدا جای خود را به واژگان معادل در متن مقصد می‌دهند، اما هیچ تغییری در دستور صورت نمی‌گیرد.

فصل دوازدهم با عنوان «تغییرات ترجمه‌ای»^۱ به بحث در مورد دو نوع تغییر در ترجمه یعنی تغییر «سطح» و «مقوله» می‌پردازد. این تغییرات در جهت دور شدن از تناظر صوری انجام می‌شوند. در بحث «تغییر سطح» نگارنده به بررسی نمونه‌هایی از تغییر سطح «واژگان» و «دستور زبان» می‌پردازد. در بحث تغییر مقوله، تغییر در مقوله‌های «ساختمان»، «طبقه»، «واحد» و «تغییر درون دستگاهی» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل سیزدهم، با عنوان «گونه‌های زبان در ترجمه»^۲ ابتدا گونه‌های زبانی به دو دسته زیر تقسیم می‌شوند: الف) گونه‌های پایدار برای پیام دهنده، ب) گونه‌های ناپایدار که با تغییر محیط حاکم بر پاره گفتار تغییر می‌کنند. در چهار چوب گونه‌های پایدار «لهجه فردی»^۳ و «لهجه» شامل «لهجه جغرافیایی»^۴، «لهجه زمانی»^۵ و «لهجه اجتماعی»^۶ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در چهار چوب گونه‌های ناپایدار، «سیاق»^۷، «سبک»^۸ و «شیوه بیان»^۹ بحث می‌شود.

فصل چهاردهم به بررسی حدود ترجمه پذیری می‌پردازد. در ترجمه کامل تعادل ترجمه‌ای به قابلیت تعویض زبان مبدا و مقصد در محیطی همانند و به عبارت دیگر به رابطه آنها با خصوصیات معتبر و همانند ماده محیطی بستگی دارد. خصوصیات معتبر به دو دسته خصوصیات «معتبر زبانی»^{۱۰} و خصوصیات «معتبر کنشی»^{۱۱} تقسیم می‌شوند. برای برقراری تعادل ترجمه‌ای، متون زبان مبدا و مقصد باید با خصوصیات محیطی که از لحاظ کنشی معتبرند ارتباط داشته باشند. در صورتیکه نتوان خصوصیات کنشی معتبر محیط را در معنای باقی متن زبان مقصد گنجانند با «ترجمه ناپذیری» روبرو شده‌ایم. ترجمه ناپذیری خود به دو دسته «ترجمه ناپذیری زبانی» و «ترجمه ناپذیری فرهنگی» تقسیم می‌شود.

تلاش مترجم در ارائه ترجمه‌ای «امین» و دقیق از کتاب حاضر در خور ستایش است. بخصوص که انتخاب کتاب حاضر جهت ترجمه با توجه به کمبود منابع نظری موجود در این زمینه گامی امید بخش در رفع این کمبود بوده است. اما متأسفانه مترجم در پاره‌ای موارد خود را در بند متن مبدا محبوس کرده است

1- translation shifts

2- language varieties

3- idiolect

4- geographical dialect

5- temporal dialect

6- social dialect

7- register

8- style

9- mode

10- linguistically relevant features

11- functionally relevant features

و اصل نخست مطرح شده در کتاب را که عبارت از برتری «تعادل ترجمه‌ای» بر «تناظر صوری» است نادیده گرفته است. شاید یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها عنوان کتاب باشد. مترجم عنوان اصلی کتاب را (*A linguistic theory of translation*) به «یک نظریه ترجمه از دیدگاه زبانشناسی» برگردانده است، که در زبان فارسی ساختی نامأنوس دارد و ترجمه لغوی را به ذهن متبادر می‌سازد. صاحب‌نظران ترجمه می‌گویند نظریه واحد، منسجم و جامعی درباره ترجمه ارائه دهند. کتفورد نیز در مقام زبانشناس در اینجا کوشیده است از دیدگاه نظریه میزان و مقوله نظریه جامعی از ترجمه ارائه دهد، دلیل آن نیز انتخاب عنوان کتاب است. اما در ترجمه فارسی عنوان، با توجه به منظور نویسنده، شاید عنوان «نظریه ترجمه از دیدگاه نظریه زبانشناختی هالیدی» مناسب تر باشد.

مقیّد بودن مترجم به متن اصلی گاه تا بدانجا پیش رفته است که جملات بسیار طولانی و پیچیده شده‌اند به طوری که با توجه به پیچیدگی بحث کتاب، درک مطلب از متن مبدا سهلتر به نظر می‌آید. نویسنده در جدا کردن بخشهای هر فصل از طریق شماره‌گذاری شیوه خاصی بکار گرفته است. این طریق شماره گذاری در متون فارسی و حتی انگلیسی متداول نیست. اما مترجم حتی در این کار نیز از نویسنده پیروی کرده است. پاره‌ای اشکالات نیز در ترجمه به چشم می‌خورد که ظاهراً چاپی هستند. از جمله کاربرد واژه «عربی» به جای «عبری» در صفحه ۱۱۸ و ترجمه translatability به «ترجمه ناپذیری» در صفحه ۱۵۱. گاه نیز با اشکالاتی در معادل‌یابی روبرو می‌شویم. از جمله مترجم در صفحه ۳۱ واژه accent را به «تکیه» ترجمه کرده است. واژه accent دارای دو معنای «تکیه» و «لهجه» است که در اینجا معنای دوم مورد نظر نویسنده بوده است. و یا در جایی دیگر مترجم برای "human translator" معادل «انسان مترجم» (ص ۶۰) را گذاشته است. مقصود نویسنده از این عبارت متمایز کردن ترجمه انسانی از ترجمه ماشینی بوده است. به نظر می‌رسد واژه «مترجم» که در فارسی فقط به انسان اطلاق می‌شود، به عنوان معادل این عبارت کفایت می‌کند.

مترجم دو واژه نامه فارسی - انگلیسی و انگلیسی فارسی به کتاب ضمیمه کرده است، اما در تنظیم واژه‌نامه‌ها دقت کافی را مبذول نداشته است. مهمتر از همه آنکه واژه‌نامه‌ها با یکدیگر تطابق ندارند. واژه نامه انگلیسی به فارسی کامل‌تر است و بسیاری از واژه‌های آن در واژه‌نامه فارسی به انگلیسی که به حرف «م» خاتمه یافته دیده نمی‌شود. علیرغم اشکالات جزئی که ذکر شد، ترجمه حاضر تجربه‌ای است ارزشمند در زمینه ترجمه متون تخصصی و پر اصطلاح علمی به فارسی.